

ادامه از صفحه اول

اقتصاد ما و ضرورت بازتوزیع ثروت

اما در دوره دوم با وجود تداوم سیاست‌های حمایتی، به دلیل سرعت‌گرفتن تورم و تشدید تحریم‌ها بار دیگر نابرابری رو به فزونی گذاشته‌است. تلاش برای مهار تورم، بازگرداندن رونق بیه اقتصاد ملی و طراحی و اجرای سیاست‌های بازتوزیع درآمد می‌تواند این حرکت صعودی را متوقف کرده و مجدداً آن را در ریل کاهش قرار بدهد. اما دشواری اساسی در اقتصاد ما که به‌ویژه در دو دهه اخیر قد علم کرده، وضعیت بسیار نامطلوب در میدان توزیع ثروت است. آمار معتبری درباره وضعیت توزیع ثروت بین اقشار مختلف شهروندان وجود ندارد که بتوان با استناد به آن ضریب جینی را برای توزیع ثروت محاسبه و تغییرات آن در طول زمان را تجزیه‌وتحلیل کرد.
باین‌حال با بررسی برخی قرائن و شواهد می‌توان افزایش سریع نابرابری توزیع ثروت در جامعه را مشاهده کرد. برای نمونه افزایش سریع زمان انتظار برای خانه‌دارشدن به این معنی است که دارایی‌هایی از نوع مهارت‌های شغلی و منقاسبه با املاک و مستغلات به‌شدت گرفتار کاهش ارزش شده‌اند و ازآنجاکه مهارت‌های شغلی و دانش فنی افراد در محاسبه توزیع ثروت مدنظر قرار نمی‌گیرد، افزایش سریع قیمت املاک و مستغلات منتهی‌به افزایش سریع نابرابری توزیع ثروت در جامعه شده است. همچنین رشد چشمگیر قیمت خودروهای وارداتی نسبت به خودروهای ساخت داخل نیز نشان از این تحول دارد که بخشی از دارایی در اختیار مردم به‌ویژه اقشار مرفه‌تر جامعه با سرعت بیشتری نسبت به دارایی‌های اقشار متوسط و کم‌درآمد جامعه ارزش‌مندتر شده و بر ابعد نابرابری در توزیع ثروت افزوده است. همین پدیده را در مورد تغییرات نسبت قیمت املاک شهری مرغوب و کم‌مرفه‌وب نیز می‌توان مشاهده کرد. این تغییر هم مشخصا به نفع اقشار مرفه بوده است.
بازنگری در شیوه تعامل با جهان خارج و برداشته‌شدن موانع داخلی و خارجی از سر راه توسعه صنعت و تجارت خارجی کشورمان هرچند موجب رونق و رشد اقتصادی را فراهم ساخته و با گسترش اشتغال و مهار تورم، نابرابری توزیع درآمد را کاهش خواهد داد اما اثر این اتفاق بر روی شاخص نابرابری توزیع ثروت در مسیری متفاوت است. بخش عمده ثروت‌اندوزی در کشورمان در سال‌های گذشته از طریق دستیابی به رانت یا تجارت املاک و مستغلات اتفاق افتاده است و فعالان اقتصادی داخلی از امکان کسب سود و افزایش دارایی‌شان از طریق گسترش تجارت سالم با جهان خارج بهره چندانی نبرده‌اند.
طبعاً با برداشته‌شدن موانع این تجارت، امکان جدیدی برای ثروت‌اندوزی در اختیار فعالان اقتصادی قرار خواهد گرفت و ناگفته پیداست بیشترین عایدی نصیب صاحبان دارایی‌های کلان خواهد شد.
گفتنی است ضریب جینی توزیع ثروت در سطح جهان اینک در دامنه ۰٫۹۷ تا ۰٫۹۸ است. البته این نابرابری حیرت‌انگیز صرفاً مرسوم حضور حدود ۳۰۰ نفر از ثروتمندترین افراد جهان است که بخش قابل‌توجه دارایی‌های جهان را در تملک خود دارند.
باین‌حال طبعاً امکان تجارت گسترده در سطح جهان و فعالیت تجاری بدون محدودیت در فسخ‌گیری ثروت اثر عمیقی داشته است. به بیان دیگر اقتصاد ما به دلیل محدودیت ارتباط تجاری با جهان خارج هنوز به مرحله‌ای نرسیده که شاهد ظهور و حضور چنین ثروتمندانی باشیم و در صورت رسیدن به این مرحله بی‌تردید نابرابری توزیع ثروت از وضع موجود هم بیشتر خواهد شد.
توجه به وضعیت نابرابری توزیع ثروت و روند تغییرات آن به این دلیل اهمیت می‌یابد که این نابرابری موتور تغییرات نامطلوب توزیع درآمد در سال‌های آتی را روشن خواهد کرد. به بیان دقیق‌تر، اگر در یک جامعه دولت هم خود را مصروف بپهود وضعیت توزیع درآمد کند و از طریق سیاست‌های حمایت از اقشار محروم موفق به کاهش قابل‌توجه ضریب جینی شده و درین‌حال عین تغییرات نامطلوب توزیع ثروت نداشته باشد، در سال‌های آینده با گسترش نابرابری توزیع ثروت، نابرابری توزیع درآمد مجدداً روبه افزایش گذاشته است و دست‌آورد سال‌های گذشته بر باد خواهد رفت.
زیرا گسترش نابرابری توزیع ثروت جامعه را روی ریل بلابگشت به‌نظام ارباب و رعیتی قرار می‌دهد و همه رسته‌های جریان توسعه و رشد طبقه متوسط را پنبه می‌کند. در حالت طبیعی توزیع ثروت در یک جامعه مفروض از توزیع درآمد نابرابرتر است. زیرا همواره گروهی از شهروندان هستند که ثروت و دارایی چندانی در تملک خود ندارند اما به دلیل مهارت‌های شغلی درآمد مناسبی دارند. باین‌حاله فصلی بین ضریب جینی برای توزیع درآمد و ضریب جینی برای توزیع ثروت نمی‌تواند از حد معقولی فراتر برود. زیرا با تمرکز ثروت در اختیار گروهی معدود از شهروندان، به‌تدریج عرصه بر بقیه تنگ خواهد شد و نابرابری توزیع درآمد نیز به تبعیت از نابرابری توزیع ثروت روبه فزونی خواهد گذاشت. سیاست‌های بازتوزیع ثروت در قدم اول با کاستن از بازدهی دارایی‌های مستغلاتی و سرمایه‌های فعال در عرصه تجارت و صنعت نسبت به بازدهی دارایی‌هایی از نوع مهارت‌های شغلی آغاز می‌شود. به بیان دقیق‌تر دولت باید تلاش کند سهم مزد در درآمد ملی در مقایسه با سهم سود و اجاره افزایش یابد. تقویت اتحادیه‌های کارگری با هدف افزایش شریک چانه‌زنی دسته‌جمعی نیروی کار، افزایش مالیات بر درآمدهایی با منشا غیر از کار و افزایش مالیات بر انواع دارایی می‌تواند مقدمات کاهش نابرابری توزیع ثروت و مهم‌تر از آن کاهش تأثیر منفی نابرابری توزیع ثروت بر وضعیت توزیع درآمد را فراهم آورد.

ادامه در صفحه ۴

بایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری:مقام معظم رهبری در آخرین جمعه از ماه مبارک رمضان و روز جهانی قدس، با اشاره به تغییر جدی موازنه قوا به نفع دنیای اسلام و جبهه مقاومت و در مقابل، افول آشکار قدرت آمریکا و رژیم صهیونیستی، عادی‌سازی روابط با چند دولت ضعیف را مانع حرکت رو به زوال رژیم اشغالگر ندانستند و با تأکید بر اجرای مطالبه منطقی همه‌پرسی به همه ساکنان اصلی فلسطین برای تعیین نظام سیاسی این کشور، خطاب به مجاهدان فلسطینی گفتند: مبارزه مشروع و اخلاقی خود با رژیم غاصب را به قدری ادامه دهید که ناچار به قبول این مطالبه مترفی شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ماجرای فلسطین را مهم‌ترین و زنده‌ترین مسئله مشترک امت اسلامی دانستند و گفتند: سیاست‌های نظام سرمایه‌داری ظالم، دست یک ملت را از خانه خود کوتاه کرده و رژیم‌ی تروزیست و مردمی بیگانه را در آن نشانده است. مقام معظم رهبری با اشاره به منطق عمیقاً سست تأسیس رژیم صهیونیستی افزودند: اروپایی‌ها به ادعای خودشان در سال‌های جنگ جهانی دوم به یهودیان ظلم کرده‌اند، اما می‌گویند انتقام یهودیان را باید با آوارکردن یک ملت در غرب آسیا و کشتارهای فجیع در آن کشور گرفت و به این شکل، همه ادعاهای دروغین‌شان درباره حقوق بشر و دموکراسی را تخطئه کرده‌اند. ایشان با یادآوری این واقعیت که «صهیونیست‌ها از روز اول فلسطین را به پایگاه تروریسم تبدیل کردند»، افزودند: اسرائیل نه یک کشور که یک یادگان تروریستی علیه ملت فلسطین و دیگر ملت‌های مسلمان است؛ بنابراین مبارزه با آن، مبارزه با ظلم و تروریسم و وظیفه‌ای همگانی است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به حوادث قبل از تأسیس رژیم غصب یعنی «دخال‌ت فعال غرب در منطقه و به قدرت رساندن دولت‌های مستبد یا دست‌نشانده»، ضعف و تفرقه در امت اسلامی را زمینه‌ساز غصب فلسطین دانستند و افزودند: در آن مقطع، هر دو اردوگاه سرمایه‌داری و کمونیسم با قارون‌های صهیونیست به هم‌افزایی رسیدند؛ انگلیس اصل توطئه را طراحی کرد، سرمایه‌داران صهیونیستی اجرای آن را با پول و سلاح بر عهده گرفتند و شوروی اولین دولتی بود که با به‌رسیمت‌شناختن دولت نامشروع، انبوه یهودیان را به آنجا اعزام کرد.مقام معظم رهبری وضع امروز جهان و موازنه قوا را به نفع دنیای اسلام برشمردند و با اشاره به حوادث سیاسی و اجتماعی در اروپا و آمریکا، مانند «انتخابات آمریکا و رسوایی مدیران پرمده‌گام آن»، «مواجهه ناموفق آمریکا و اروپا با کرونا» همه‌گیر و حواشی شرم‌آور آن» افزودند: اینها نشانه‌های سیر نزولی و افولی اردوگاه غرب است. ایشان نقطه مقابل این اختلالات غرب را افزایش امیدوارکننده توانایی‌های ملت‌های اسلامی دانستند و گفتند: رشد نیروهای مقاومت در حساس‌ترین مناطق اسلامی و رشد توانایی‌های دفاعی و هجومی آنان، رشد خودآگاهی و امید در ملت‌های مسلمان، رشد گرایش به شعارهای اسلامی، رشد علمی و استقلال‌طلبی و خودتکایی در ملت‌ها، نویدبخش آینده‌ای بهتر است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر لزوم هم‌افزایی کشورهای مسلمان حول قضیه فلسطین و سرنوشت قدس شریف، خاطر‌نشان کردند: این هم‌افزایی کابوس دشمن صهیونیست و حامیان آمریکایی و اروپایی آن

سیاست

مقام معظم رهبری خطاب به مجاهدان فلسطینی:

مبارزه با رژیم غاصب را تا قبول «همه‌پرسی» ادامه دهید



است و طرح ناکام معامله قرن و تلاش برای عادی‌سازی روابط چند دولت ضعیف عربی با رژیم غاصب، تلاش‌های مذبوحانه برای فرار از آن کابوس است. رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: من قاطعانه می‌گویم این تلاش‌ها به جایی نخواهد رسید و حرکت نزولی و رو به زوال رژیم صهیونیستی آغاز شده و وقفه نخواهد داشت. ایشان «تداوم مقاومت در داخل سرزمین‌های فلسطین و تقویت خط جهاد و شهادت» و «حمایت جهانی دولت‌ها و ملت‌های مسلمان از مجاهدان فلسطینی» را دو عامل مهم تعیین‌کننده آینده خواندند و افزودند: این حرکت سراسری، باطل‌کننده توطئه دشمنان است و همگان از دولت‌مدران، روشنفکران، عالمان، احزاب، گروه‌ها و جوانان باید جایگاه خود را در آن بیابند و نقش ایفا کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بخش دیگری از سخنانشان را به زبان عربی، خطاب به جوانان عرب اختصاص دادند.ایشان به همه آزادگان عرب به‌ویژه جوانان، مردم مقاومت فلسطین و قدس، مرابطن در مسجدالاقصی و همچنین شهدای مقاومت به‌ویژه شیخ احمد یاسین، سیدعباس موسوی، فتحی شقافی، عماد مغنیه، عبدالعزیز رنتیسی، ابومهدی المهندس و چهره برجسته شهیدان مقاومت شهید قاسم سلیمانی سلام و درود فرستادند.مقام معظم رهبری، مجاهدت فلسطینیان و خون پاک شهیدان را عامل برافراشته‌ماندن پرچم مقاومت و صدها برابر شک قدرت درونی جهاد فلسطینی دانستند و گفتند: جوان فلسطینی یک روز با پرتاب سنگ از خود دفاع می‌کرد، امروز با پرتاب موشک نطفه‌زن به دشمن پاسخ می‌دهد.ایشان با تأکید بر اینکه ۷۰ سال اشغالگری، نژادپرستی، قتل، غارت، حبس و شکنجه انسان‌های شریف، نتوانسته اراده فلسطینیان را شکست دهد، گفتند: فلسطین زنده است و به جهاد ادامه می‌دهد و قدس شریف و همه فلسطین به مردم آن برخواهد گشت. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همه دولت‌ها و ملت‌های مسلمان را در قضیه فلسطین دارای مسئولیت دانستند و افزودند: البته محور مجاهدت خود فلسطینی‌هایی هستند که امروز در درون سرزمین و بیرون آن حدود ۱۴ میلیون نفرند و وحدت و عزم آنان می‌تواند کار بزرگی را صورت دهد. رهبر انقلاب اسلامی وحدت را بزرگ‌ترین سلاح فلسطینی‌ها برشمردند و با تأکید بر حفظ آن در درون جامعه فلسطینی، خاطر‌نشان کردند: محور

این وحدت باید جهاد داخلی و اعتمادنکردن به دشمنان باشد. همچنین دشمن اصلی فلسطینیان یعنی آمریکا، انگلیس و صهیونیست‌های خبیث را نباید دیگرگاه سیاست‌های فلسطینی قرار داد. ایشان با تأکید بر راهبرد به‌هم‌پیوستگی همه فلسطینیان در غزه، قدس، کرانه باختری، سرزمین‌های ۱۹۴۸ و اردوگاه‌ها افزودند: همه فلسطینی‌ها یک واحد را تشکیل می‌دهند و باید با دفاع از یکدیگر در هنگام فشار، از ابزارهای در اختیار خود استفاده کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با برشمردن نمونه‌های امیدبخش از تغییر موازنه قوا به نفع فلسطینی‌ها و ضعف عمیق و همه‌جانبه رژیم صهیونیستی گفتند: ارتش صهیونیست که خود را «ارتشی که هرگز شکست نمی‌خورد» معرفی می‌کرد، امروز به ارتشی که «رنگ پیروزی را نخواهد دید» تبدیل شده، در سیاست ناکریر از چهار انتخابات در دو سال هستند، در امنیت به‌طور پی‌درپی دچار شکست می‌شوند و میل روزافزون یهودیان به مهاجرت معکوس مایه فضاخت آن رژیم برشمارا شده است. مقام معظم رهبری، تلاش بیگیر رژیم غاصب با کمک آمریکا برای عادی‌سازی روابط با چند کشور ضعیف و حقیر عربی را نشانه دیگری از ضعف آن رژیم دانستند و گفتند: این روابط کمکی به رژیم صهیونیستی نخواهد کرد؛ همچنان که از ده‌ها سال قبل تاکنون که با مصر رابطه برقرار کرد، بسیار ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر شده است. ایشان افزودند: البته آن کشورها نیز از این رابطه بهره‌ای نخواهند برد، زیرا دشمن صهیونی با تصرف در مال یا خاکشان، فساد و ناامنی را در آنجا گسترش خواهد داد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: علمای مسلمان و مسیحی باید عادی‌سازی را حرام شرعی اعلام کنند و روشنفکران و آزادگان نتایج این خیانت را که خنجرى از پشت به فلسطین است، برای همه تشریح نمایند. مقام معظم رهبری، نقطه مقابل روند نزولی رژیم غاصب را افزایش توانایی‌های جبهه مقاومت دانستند و گفتند: افزایش قدرت دفاعی و نظامی، خودکفایی در ساخت سلاح‌های موثر، اعتمادبه‌نفس مجاهدان، خودکامی روزافزون جوانان، گسترش دایره مقاومت به سراسر کشور فلسطین و بیرون از آن، خیزش اخیر جوانان در دفاع از مسجدالاقصی و انعکاس توأمان مجاهدت و مظلومیت ملت فلسطین در افکار عمومی بسیاری از مناطق جهان، بشارت‌دهنده آینده درخشان است. ایشان منطق مبارزه فلسطینی یعنی «همه‌پرسی از همه ساکنان اصلی فلسطین برای تعیین نظام سیاسی کشور» را منطقی مترفی و جذاب خواندند و خاطرنشان کردند: بر اساس این منطق که به وسیله جمهوری اسلامی در اسناد سازمان ملل نیز به ثبت رسیده، مبارزان فلسطینی می‌توانند یک همه‌پرسی با شرکت همه ساکنان اصلی فلسطین از هر قوم و دین ازجمله آوارگان فلسطینی مطرح کنند که نتیجه این همه‌پرسی نظام سیاسی کشور را معین می‌کند. آن نظام سیاسی آوارگان را به داخل برمی‌گرداند و سرنوشت بیگانگان سناگازیده را تعیین می‌کند.حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر دنبال‌کردن این مطالبه مترفی، غیرقابل‌خدشه و بر اساس دموکراسی رایج گفتند: مجاهدان فلسطینی، مبارزه مشروع و اخلاقی خود با رژیم غاصب را باید به قدری ادامه دهند که ناچار به قبول این مطالبه شود.



شورای نگهبان با استناد بر نظرات استصوابی:

رد صلاحیت تال‌حظه آخر انتخابات

به حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات نیست.شاید مواضع جنتی به‌عنوان یک عضو شورای نگهبان در نظر گرفته شود؛ اما او دبیر این شوراست و نظر و خواست او اهمیت بسیاری دارد.یکی دیگر از مباحث طحان‌نظیف در مصاحبه اخیرش مربوط به رایزنی‌ها برای انتخابات پیش‌روست که گفته است: اعضای این شورا ممکن است با برخی کاندیداهای ریاست‌جمهوری دیدار کرده باشند؛ اما این ملاقات‌ها، غیررسمی است و به معنی جلسه رسمی با شورا نیست. او تأکید کرده است که «تاکنون شورا جلسه‌ای با داوطلبان نداشته است؛ ولی ناغی این نیست که بگوییم با کسی نیز دیداری نشده است». اینکه این دیدارهای غیررسمی قرار است چه نتیجه‌ای در بر داشته باشد، مشخص نیست؛ زیرا در زمان انتخابات مجلس هم سخن از رایزنی اصلاح‌طلبان برای تأیید نامزدهای اصلاح‌طلب مطرح بود؛ اما در نهایت به شکلی گسترده نامزدهای اصلاح‌طلب رد صلاحیت شدند؛ اما رایزنی برای ریاست‌جمهوری از جنب دیگری است. به گزارش انتخاب که در تیر ۹۹ منتشر شده است، مرتضی طایی، سیاست‌مدار اصولگرا به عربی‌پست می‌گوید: «به هفت‌های اخیر، دوستان احمدی‌نژاد شروع به مذاکره با شورای نگهبان کرده‌اند، تا موافقتی با پذیرش صلاحیت احمدی‌نژاد که انتخابات آینده را تضمین کنند». این مسئله‌ای است که یکی دیگر از اعضای مجلس که نزدیک به احمدی‌نژاد است، در گفت‌وگو با عربی‌پست گفت: «دراین‌باره با آیت‌الله احمد جنتی دیدار کردیم؛ اما ایشان خواستار زمان کافی برای فکر بیشتر شدند». این در حالی است که یک منبع نزدیک به احمدی‌نژاد در گفت‌وگو با عربی‌پست نگهبان، در واکنش به سخنان محمّد خامنه‌ی رئیس‌جمهور پیشین ایران که شرایطی را برای مشارکت اصلاح‌طلبان در انتخابات مطرح کرده، گفته بود نیازی

جدی برای نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری دارد و از طریق راه‌های مختلف تلاش می‌کند از مانع شورای نگهبان عبور کند.البته مسئله این روزهای انتخابات فقط احمدی‌نژاد نیست؛ زیرا سخنگوی شورای نگهبان سال گذشته گفته بود افرادی که سابقاً رد صلاحیت شدند، مجدد نامزد نشوند که بیامی صریح و روشن به محمود احمدی‌نژاد بود؛ اما اصولگرایان که خود را پیروز قطعی انتخابات می‌دانند، نامزد درخوری تاکنون معرفی نکرده‌اند و حتی برخی افراد با شرایط جدید امکان نامزدی ندارند. ازجمله سعید محمد به دلیل تجربه کم مدیریت و مهرداد بذرشاش و دادام‌چیان به دلیل سن، رچل سیاسی نخواهند بود. با توجه به ابلاغ جدید شورای نگهبان از شرایط صلاحیت نامزدی افراد که در راستای طرح اصلاح قانون انتخابات رد شده، در خود شورای نگهبان و مورد نقد جدی مجمع بوده، شرایط برای افرادی مانند قالیباف تسهیل شده است؛ سال گذشته گفت بود افرادی که سابقاً با عنوان «مجلس، باشنه آشیل قالیباف» دقیقاً همین وضعیت را پیش‌بینی کرده بود. گمانه‌زنی‌ها همه این بود که او بهارستان و ریاستش را در مسیر پاستور و صندلی‌اش دیده و بعد از کناره‌گیری به نفع رقیب در سال ۹۶ به‌جای قهر و تقابل، با زیرکی در قامت یک اصولگرای فداکار ظاهر شد و طبلش را از جناح محافظه‌کننده داشت تا اینکه انتخابات مجلس برسد؛ انتخاباتی که در هیچ‌یک از این سال‌ها اصلا اتفاقی به آن نداشت. همه تحلیل این بود که حتی رئیس قوه مقننه شدن او نیز دست‌گرمی برای رسیدن به ریاست قوه مجریه است؛ اما مجلس برای او شمشیری دو دم شد. به‌طور مشخص به نظر می‌رسد که هم‌جناحی‌هایش خیلی از اینکه قالیباف را بعد از لابی‌های پیچیده در مسیر ریاست بهارستان، در صندلی ریاست پاستور ببینند، خرسند نیستند و تمایل ندارند که دیگران به آنها بگویند که تبدیل به ابزار سیاسی دیگری شده‌اند. نامه‌نگاری ۲۲۰ نماینده به رئیس قوه قضائیه به‌خوبی حامل این پیام بود. به قالیباف در این یک سال تقدفای زیادی در ارتباط با مدیریت مجلس شد.

از سفرهای استانی‌اش که طعنه به سفرهای استانی احمدی‌نژاد رئیس دولت می‌زد و برداشت‌هایی که از تبلیغاتی‌بودن این سفرها می‌شد. نحوه تعامل او با مجلسیان اگرچه خیلی فرافروید بالایی نداشت اما چهره یک رئیس مجلس محبوب یا مسلط را هم به تصویر نکشاند. «شوق» پیش‌بینی کرده بود که چون ریاست مجلس، تعاملی – مدیریتی است نه دستوری، پس نشستن بر صندلی بالاتر فقط برای اداره بهتر جلسه است، نه به معنای ریاست بر جلوس‌کنندگان. درحالی‌که قالیباف سابقه فرماندهی و مدیریت اجرایی– دستوری داشت نه تعاملی.

ادامه در صفحه ۴

روزنه

قالیباف چقدر شانس دارد؟

مسیر پاستور از بهارستان بود یا نبود؟

● برخی می‌گویند انتخابات ۱۴۰۰ از بسیاری جهات شبیه انتخابات ۸۴ است که هر دو جریان اصولگرایی و اصلاح‌طلبی محتمل است با چند نامزد وارد گود انتخابات شوند؛ چراکه یک‌ماه‌و نیم مانده به موعد رفتن پای صندوق‌های رای و هنوز مشخص نیست که گزینه یا گزینه‌های اصلی هر دو جریان اصلاح‌طلبی و اصولگرایی کدام‌اند. متضاف بر اینکه جریان اصلاح‌طلبی با مشکل مهم‌تر دیگری یعنی بحران اقبال در بدنه مردمی هم روبه‌رو است. در جریان اصولگرایی هم برخی چهره‌ها به‌صراحت گفته‌اند به نفع هیچ فردی کنار نخواهند رفت. غلامرضا مصباحی‌مقدم، سخنگوی جامعه روحانیت گفته که اگر رئیس نایب، نمی‌دانیم چطور می‌توانیم به نامزد واحد برسیم و احتمال تشدید اختلاف بین اصولگرایان زیاد است. حلا سؤال اصلی این است که در صورت نیامدن ابراهیم رئیسی که درحال‌حاضر تنها گزینه اجماع‌ساز این جریان است و شکست اصولگرایان در رسیدن به وحدت، کدام نامزد شانس بیشتری برای برنده‌شدن خواهد داشت؟ «شوق» هرروز به بررسی کارنامه و موقعیت سیاسی – اجتماعی یکی از نامزدهای مطرح اصولگرا از دو جنبه می‌پردازد. ۱- شانس بدل‌شدن به نامزد اصلی جریان اصولگرایی ۲- اقبال مردمی ازسوی بدنه اجتماعی. او که سال پیش در همین روزها به نظر قطعی‌ترین و محتمل‌ترین گزینه انتخابات ۱۴۰۰ اصولگرایان بود. این روزها به کم‌خبرترین چهره انتخابات ۱۴۰۰ بدل شده است، تا جایی که حتی نزدیکانش ممعی‌اند او برنامه‌ای برای صندلی پاستور ندارد؛ گزاره‌ها و گزینه‌های انتخاباتی در اردوگاه اصولگرایی آن قدر فراوان شده و حتی اقبال به رئیس فعلی قوه قضائیه آن قدر زیاد است که انکار همه عمده‌ان رئیس مجلس را فراموش کرده‌اند. نه کمپینی در حمایت از او تشکیل می‌شود و نه دسته و گروهی دعوت‌نامه برایش می‌فرستند؛ حتی در همان مجلسی که او رئیسش است هم ۲۲۰ نماینده از رقیب ۹۶ او برای حضور در ۱۴۰۰ دعوت می‌کنند. این یعنی قالیباف حتی در بین همان نمایندگانگی که بالاخره برای ریاستش از آنها رای گرفت، مشتاق برای ۱۴۰۰ شد. شاید اگر او وارد کارزار مجلس نمی‌شد و یک سال دیگر هم به خودش فرصت می‌داد، امروز این نامه‌ها و درخواست‌ها از او صورت می‌گرفت نه رقیبش. اتفاقی که او سال پیش احتمالاً هرگز پیش‌بینی‌اش را نمی‌کرد. اخیرا او یک پست اینستاگرامی از خودش با پس‌زمینه عکس تختی منتشر کرد و نوشت: «مدد ز غیر تو ننگ است یا علی مدد». از این پست، تعبیر این‌گونه شد که این اعلام حضور غیررسمی قالیباف در رقابت‌های انتخاباتی است اما یکی از نزدیکانش در مجلس گفته که قالیباف قصد رقابت با رئیسی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ ندارد. «آقای دکتر قالیباف اعلام آمادگی کرده‌اند که برنامه و تیم اقتصادی‌شان برای تحول اقتصادی کشور در اختیار آقای رئیسی باشد تا بتوان شاهد اتفاقات خوب اقتصادی در دولت آینده باشیم». برای همین چندی قبل شایعه شد که برخی فرماندهان قدیمی سپاه که رابطه نزدیکی با قالیباف دارند، در تلاش برای ممانعت از حضور آیت‌الله رئیسی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ هستند. شایعه‌ای که به‌سرعت تشکیب شد و حتی سردار کوثری اخیرا آن ادعا را کذب خوانده است. باز خبر دیگری درباره سه شرط او برای آمدن رسانه‌ای شد که یکی از گزاره‌هایش عدم سؤال درباره عیسی شریفی، نیامدن رئیسی و نامزدشدنش در انتخابات بوده، شرایط برای افرادی مانند قالیباف تسهیل شده است؛ سال گذشته در مطب با عنوان «مجلس، باشنه آشیل قالیباف» دقیقاً همین وضعیت را پیش‌بینی کرده بود. گمانه‌زنی‌ها همه این بود که او بهارستان و ریاستش را در مسیر پاستور و صندلی‌اش دیده و بعد از کناره‌گیری به نفع رقیب در سال ۹۶ به‌جای قهر و تقابل، با زیرکی در قامت یک اصولگرای فداکار ظاهر شد و طبلش را از جناح محافظه‌کننده داشت تا اینکه انتخابات مجلس برسد؛ انتخاباتی که در هیچ‌یک از این سال‌ها اصلا اتفاقی به آن نداشت. همه تحلیل این بود که حتی رئیس قوه مقننه شدن او نیز دست‌گرمی برای رسیدن به ریاست قوه مجریه است؛ اما مجلس برای او شمشیری دو دم شد. به‌طور مشخص به نظر می‌رسد که هم‌جناحی‌هایش خیلی از اینکه قالیباف را بعد از لابی‌های پیچیده در مسیر ریاست بهارستان، در صندلی ریاست پاستور ببینند، خرسند نیستند و تمایل ندارند که دیگران به آنها بگویند که تبدیل به ابزار سیاسی دیگری شده‌اند. نامه‌نگاری ۲۲۰ نماینده به رئیس قوه قضائیه به‌خوبی حامل این پیام بود. به قالیباف در این یک سال تقدفای زیادی در ارتباط با مدیریت مجلس شد.

ادامه در صفحه ۴